



کابوسی از یک بلوتوس!

یادداشتی بر نمایش «عروس»

کابوس، افسوس، بلوتوس»، به

کارگردانی ارش میرطالبی

هادی جاودانی

همان هرکی حساب می‌کنیم. عیبی که ندارد. حالا که هرکی به هرکی است، بیایید؛ یک نمایش نابسامان و پر از دادوبیداد (مثل برخی اجراهای دانشجویی) به خوردتان می‌دهیم. عجب!

این‌گونه که پیش می‌رود به گمان تئاتر (در برخی سالن‌ها و اجراها) مبدل به استراحتگاه‌های گروه‌هایی ذاتاً ناراحت شده است. دقت داشته باشید وقتی می‌خواهید وارد سالن شوید از این به بعد به کف سالن نگاه کنید، اگر چیدمان صحنه به نظرتان مشکوک آمد، محترمانه برگردید، شما اشتباه آمده‌اید، اینجا تئاتر اجرا نمی‌شود. قرار به برون‌فکنی ترشحات معده است.

شاید بپرسید چطور می‌شود اجرا را نادیده گرفت و علیه آن حرف زد. باید بگویم من علیه این نمایش چیزی نگفتم. این نمایش به حدی قابل تأویل است که این خود یکی از همان تأویلهاست. پس گروه اجرایی نگران نشوند. آن‌ها نتوانسته‌اند مستقیم بگویند از ساخت یک درام نفس‌گیر عاجزیم. چیزی که برای تئاتر ما بیشتر از جان کندن بی‌مورد بر صحنه ارزش و ضرورت دارد. حال نام تجربه و پرفورمانس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر، از عمق شکست ارتباط با مخاطب نمی‌کاهد. به دسته‌گل‌هایی که تحویل بازیگران می‌شود نه در این اجرا که در برخی از اجراها نیز توجه نکنید. قضیه احترام به تلاش آن‌هاست نه حصول نتیجه! پله‌ها باید به ترتیب طی شود. مرارت جزئی از درک است. چه درک خود چه درک مخاطب یا اجتماع.

استفاده از هر ابزاری برای ایجاد ضخامت در لایه‌های بطن اثر در صورت مستعد بودن آن ابزار و همخوانی‌اش با فضای مفهومی نمایش، بی‌شک جسارتی قابل تحسین است.

بامزه‌ای است سرشار از ویتامین اندیشه و طنازی. قرار است ما را درگیر عجایب‌الخلقه‌هایی بکنند که در واقعیت بدان‌ها توجه نکرده‌ایم. انکار کارگردان می‌دانسته فقط خودش است که روان‌پریشی را می‌شناسد یا می‌دانسته درهم‌ریختگی، اعوجاج و عربده‌کشی باب طبع جماعت حساس دمدمی مزاج است و زود تأثیر می‌گذارد. بهتر است صبر کنیم. اصلاً اشتباه کرده‌ایم. مگر نمی‌شود بر صحنه دوید. صحنه را خیس کرد، عرق زد و به مخاطب نشان داد که به ته خط رسیده‌ایم؟ راستی به ته خط چه؟ یعنی ته خط تعقل؟ نه! شاید هم ارتباط!؟

ما می‌خواهیم بگوییم فهمیده‌ایم کی به کی است. ما زجر کشیده‌ایم. ما هر دوی این حالات را می‌خواهیم به شما منتقل کنیم. وسطش هم به‌عنوان میان‌پرده، داستانی، مثل سریال‌های تلویزیونی می‌چنانیم. راستی کی به کی است. حالا که هرکی به هرکی است با نمایش دادن حالات خود (که بدان اشاره شد) مخاطب را

راه میان‌بر برای رسیدن به یک فضای ساده و دم‌دستی با حداقل زحمت و حداکثر توقع، امروزه در بیشتر اجراهای به‌اصطلاح مدرن تئاتر ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما راه چیست؟ پیشنهاد می‌کنم برای شروع، ایده باب طبع سطح جامعه را بردارید (لطفاً، به عمق نروید زیرا در درک واقعیت سختی خواهید کشید. سطح بهتر و کم‌خرج‌تر است) و ایده را امتحان نکرده در معرض دید بگذارید. از آن‌هایی که واقعاً دوستان دارند بخواهید نظرشان را بگویند. تأکید کنید باید تشویقتان کنند. زنگ بزنید به یک مرکز هنری و به مسئولان آن بگویید نابغه‌اید، راز خلقت، نحوست و عاقبت انسان را یافته‌اید. در نهایت خواهید دید تراوشاتان به‌سرعت مورد قبول قرار خواهد گرفت. همین. شما حالا هنرمندید، بی‌کم‌وکاست!

نمایش «عروس»، کابوس، افسوس، بلوتوس» تحفه‌ای این‌چنینی را در دسترس ناظران بی‌خبر خود قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد محصول

فک تک باو بگو، فشار و اثری وادی را اثر طبل
 فریب و حال اجزای خود دارند کرده و می کنند
 از اینکه وجه آن دانه سر اجامی شایسته ملاکی
 آن جامعی می شود نیز اظهار تأسف می کنیم
 اما جوهری در گفتن این نکته که پیش از
 حرکت مسر را دفعی در اروای کینه تجربه
 نه حرکت می آید که در مسر بلکه شایسته
 توانایی و ایجاد تران بین فعل شروع و قدرت
 پایان بگری است
 در استی انیس از این با تریس که تریس شد
 برای ضمن حلق طالب اکفرت طالب اکفرت دیگر
 هیچ عروسی فریاد نوازید

تا یکی دو سه آنچنین اثر و موجوداتی از این
 دست هیچ که خود حجابی بر آثار خود نهاده اند
 او را اجتناب را اثر این خود به مخاطب نشان
 داده اند رسم خبر این است اما در اجرای مورد
 نظر ما گروه طایفه است که و آنچه به اصطلاح
 اثر نمایشی است بهشت سر او خاتم شده است
 این مطلب را در اصل و پیش از آن فوج خبر از
 نشان تجربه می دهیم در این نمایشی احتمالاً
 تجربی
 تا به عنوان مخاطب به ذات جناب و خبر دهیم
 در میان است که در صحنه را می بینیم نه
 وضعیتی که خود در آن دچار تلنگر می شویم
 طایفه از این طایفه اگر چیز دیگر است گروهی در آن
 خوش درخشیده است در چند دقیقه مشغول
 به گرفتن سر چنین طایفه می توانی فخر کنیم بود
 باید خاطر نشان کنیم تا حدودی واقعیتی که

تأثر تفریق برداری در این دست گروه اجزایی
 بی اوج است اما بهر احتمال تفریق برداری نیست
 اگر نشیند و وجه آنچه را که بر این نشان داده به
 بوی کشیده بی رویته مخفی است و فرقی
 بی اثر است که در واقع حادی وجود ندارد
 به مخاطب از این طایفه است با فراداده باشد اگر
 دارای صلاحیت رابطه نیست و با استفاده نایجا
 از آن در دستگیری می کند به زور (درست)
 در صحنای بی دلیل و با آواز اظهار مخاطب را
 بچه خود کند فایده را باخته است
 ممکن است کارگردان صحنی باشد که آنچه دیده
 با آن دیده می در بر داشته پس بنده ما هستیم
 برای خود هم برای حضور این صحنه طایفه است
 در روان مخاطب با بخش نشان مشغول گشته
 فکرتی نیست پیش از آنکه فریاد نوازنده باشد
 عودت فکرت فایده اجزا نشان می دهد
 تا اولین برای برای توجه قرار می
 میانی می شود در بر نگه داری این
 عودت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
 ریال جامع علوم انسانی

